



روزمره نگاری

کیمیایی همچو صبر آدم ندید

رقیه توسلی: آن طرف خیابان، ماسک به صورت دارد می‌رود سمت بازار. مطمئن نیستم خودش باشد اما دست شکسته و عینک دودی‌اش آشفته‌ام می‌کند. توفیقی می‌شود احوال همکارم را بعد مدتی بی‌خبری جویا شوم.

شماره‌اش را می‌گیرم. جواب نمی‌دهد. می‌گرم توی لیست مخاطبان، تلفن همکار دیگری را می‌گذارم روی زنگ. دومین بوق، برمی‌دارد. بعد از خوش و بش معمول، سرراغ «مریم» را از او می‌گیرم و دو دقیقه پیش را تعریف می‌کنم برایش. پس از مکث بلندی، حالی‌ام می‌کند آنچه دیده و آن که دیده‌ام متأسفانه غلط نبوده.

می‌گویند: دیوانه‌بازی‌های همسرش را که یادت هست، همچنان ادامه دارد. آن وقت که کار داشت، توی هر مشاجره کتک‌کاری راه می‌انداخت، حالا که آقا بیکار هم شده اوضاع دوستانم جهنم است. حیف که طرف حساسش مریم با گذشته، به‌خدا هر آدم دیگری بود می‌داد دمار از روزگار مردک مازوخسیم دربیاورند.

دوباره و سه باره مریم را می‌گیرم. بی‌فایده است. پیامک می‌دهم. مختصر می‌نویسم به یادتم مریم عزیز! حیف که کرونای لجیاز دست و بالمان را بسته. آن وقت آدرس و شماره کارخانه قوم و خویشان را ضمیمه‌اش می‌کنم. اضافه می‌کنم تیری است در تاریکی. مدیرعاملش می‌گفت نیرو استخدام می‌کنند. البته ضمانت شما با من. هروقت خواستی زنگ بزنی، حرف بزنیم.

یک نفس آسوده می‌کشم. می‌خواهم ماشین را روشن کنم و راه بیفتم که پارکبان تشریف می‌آورد سمتم. باورم نمی‌شود ۷۹ دقیقه گذشته باشد. اما ساعت دروغ نمی‌گوید و ایضاً این جناب مسئول!

پیرنوشت: این آموزه «خانچان» را به‌گمانم هرگز از یاد نبرم: صد هزاران کیمیا حق آفرید / کیمیایی همچو صبر آدم ندید **پیامک:** صدای اس‌ام‌اس بلند می‌شود. فکر می‌کنم مریم است. اشتباه می‌کنم اما. «آخرین خبر» است با یک خبر غمدار دیگر؛ افزایش سرسام‌آور قیمت پنج محصول اساسی.

هفتخوانه

محسن ذوالفقاری

مهر و آبان پر خیر و برکت



جمعه: چند هفته پیش در تهران، با دوستم به هیئت یکی از مداحان معروف رفته. به محض ورود، همه وجودم اربعینی شد. تکیه‌گاه را شبیه معماری موبک‌های مجلل عراقی درست کرده بودند. تمثال‌هایی از اهل بیت(ع) روی ملحفه‌ها لم بده و یاد ما هم باش! بقیه صحبتان به سمت تکیه‌گاه رفت و گفت: «به برکت راه نیامدن مسجدی‌ها برای قبول این هیئت، تکیه‌گاه پس از چندین سال بالاخره ساخته شد و هفته‌ای دو سه بار داخلش هیئت برگزار میشه. البته درمانگاهش همیشه فعاله و دو روز تو هفته هم برای خانواده‌های بی‌ضاعت دکتری میاد و به‌صورت رایگان خدمات ارائه میده.» نمی‌دانم مرکز رسیدگی به امور مساجد و مسجدی‌ها چقدر حسرت از دست دادن این همه ظرفیت را می‌خورند!

شنبه: خادم مسجد به محض وارد شدن فردی بدون ماسک به بدترین شکل ممکن با او برخورد کرد. نمازگزار با عذرخواهی گفت: «فراموش کردم... تو صف جماعت نیامم. به گوشه مسجد نماز می‌خونم و می‌رم...»

خادم اما بدتر از پیش با او برخورد کرد. نمازگزار هم از مسجد خارج شد و کنار در مسجد نمازش را خواند و با ناراحتی رفت. به خادم که به‌خاطر این نوع رفتارش تذکر دادم متأسفانه با من هم بدتر از آن بنده‌خدا رفتار کرد! یعنی کسی نیست برای مسجدها نذر ماسک کند؟

یکشنبه: امروز نظر یکی از دوستان را در مورد کتاب بابار جاب پرسیدم و گفت: «از چند ماه پیش که کتاب رو بهم دادی، هر موقع دستم گرفتیش و چند صفحه‌ای ازش خواندم گریه ماندم نداده. فکر نکنم تاب بیارم و تا آخرش بنونم بخونم.»

دوشنبه: امروز جلد دوم کتاب «مفتون و فیروزه» را هم تم کردم. آن‌شاهالله در یک فرصت مناسب در مورد این کتاب سراسر حماسه و عشق مفصل می‌نویسم. قدر مهر و آبان ماه من پر از خیر و برکت شد. پایان‌نامه‌ام را تمام کردم، مقاله نوشتم، کتاب نیمه تمام را به سرتراجم رساندم، چندین جلد کتاب خواندم، چندین ساعت صوت معرفتی گوش دادم و در نهایت کتاب «تشکیلات بهشتی» چاپ شد. الحمدلله، دعا کنید همین‌طور ادامه داشته باشد.

سه‌شنبه: به سفارش خیلی از دوستان، کتاب «حاج آخوند» را شروع کردم. برخلاف امروز بسیار کتاب گیرا و پر جنبه‌ای است. محتوای خوب آن از فن و تبحر نویسنده آن پیشی گرفته و پرورش فکر و برای عملیاتی کردن آن اقدامی کنم. این کتاب را بخوانم و در موردش فکر و برای عملیاتی کردن آن اقدامی کنم. البته به خاطر نویسنده آن طعنهای هم از برادر بزرگ‌ترم شنیدم ولی اشکالی ندارد و می‌ارزد به خواندنش! البته در جوابش گفتم: «بین چی می‌گه، نگاه نکن می‌گه».

چهارشنبه: پروژه پژوهشی مشترکی را با یکی از استادان دانشگاه شروع کردم. روزی چندین ساعت به‌صورت تخصصی بسرای آن وقت می‌گذارم و هر شب گزارش را برای ایشان می‌فرستم. امروز پیام دادند: «بابا چه خبرته! گاز کوب داری میری! بذار ما هم بهت برسیم!» پاسخ دادم: از این به بعد تصمیم گرفتم به جای هر روز ناخنک زدن به هر کاری، پروژه پروژه برم جلو تا هم با تمرکز بیشتری کار رو ببرم جلو و هم کار سریع‌تر پیش بره. تا کاری رو هم تموم نکردم کار جدیدی قبول نمی‌کنم... شما هم دعا کنید «ه» گفتن را یاد بگیرم و آدم خوش‌قولی شوم.

گفت‌وگو با رقیه توکلی، کارگردان فیلم «مهران» اثر برگزیده جشنواره فیلم کودک و نوجوان

«بچه‌های آسمان» مرا به سمت سینما کشاند



ورزش

پرداخت کامل طلب برانکو

پنجره‌پر سپولیس با قرض‌های سنگین باز شد

با ۳۶ میلیارد تومان

علی کریمی جای بشار را در قطر گرفت



مسجدی: باید وضعیت مبتلایان به کرونا را بسنجیم

احتمال تعویق دوباره مسابقات لیگ برتر بیستم

عکس ورزش ۳

سؤال مهم در جامعه فوتبال ایران

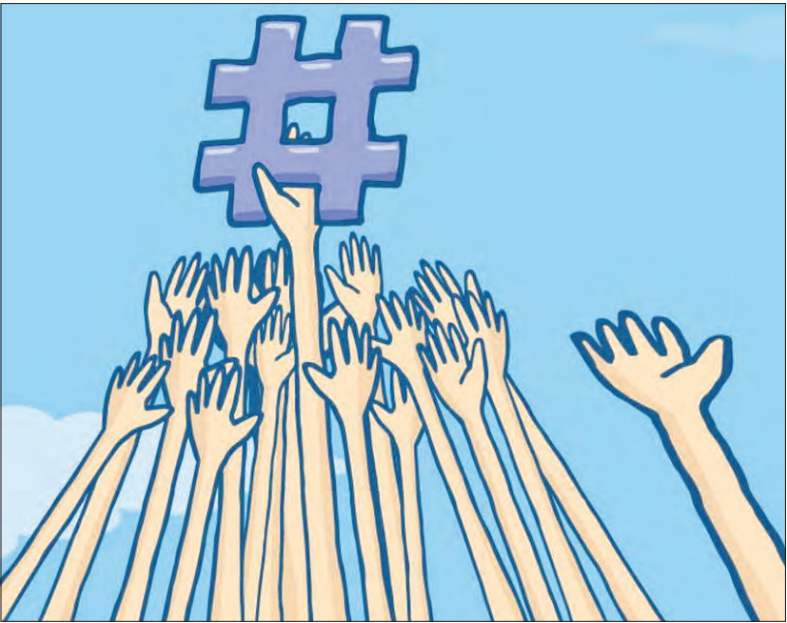
سکوت کمیته اخلاق در مورد ویلموتس، دلال‌ها و گلادیاتورها



عکس ورزش ۱۰

چرا سواد مجازی از سواد دانشگاهی هم مهم‌تر شده است؟

طعمه هشتگ‌ها نشوید!



مورد نظرشان را در نقاط مختلف جهان ترند کنند.

تکنیک‌های جمعیت

ایسن مرکز عریض و طویل، انبوهی از روایت‌ها و صفحه‌های فیک توئیتری را در اختیار دارد که وظیفه اصلی آن‌ها راه‌اندازی یک هشتگ در فضای مجازی است. پس از داغ شدن نسبی هشتگ، آن‌ها کنار می‌کشند و اجازه می‌دهند مردمی که ناآگاهانه با موج مجازی همراه شده‌اند، مأموریت را به پایان برسانند.

سایت‌های معتبر فناوری که آمار مکان‌هایی که یک هشتگ در آنجا ترند شده را به اشتراک می‌گذارند، آن وقت متوجه خواهید شد عمده توئیتهای در روزهای ابتدایی اغتشاش‌های عراق، انفجار لبنان و حتی فتنه آبان ماه ایران از عربستان سعودی منتشر شده اما در ادامه و پس از موج ایجاد کردن، مرکز فناوری سعودی عقب‌نشسته و کاربران را کشور هدف، به هشتگ‌سازی ادامه داده‌اند.

بدون تعارف!

حالا احتمالاً از خودتان می‌پرسید برای مقابله با این جریان چه می‌شود کرد. بدون تعارف از آنجایی که مرکز اعتدال توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلستان و عربستان مدیریت می‌شود و این کشورها سرمایه‌گذاری زیادی در فضای مجازی و رسانه‌ای انجام داده‌اند، خیلی سخت می‌شود

مجازآباد

از فرانسه نمی‌گذریم



در پی هتک حرمت مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به بنی مکرم اسلام(ص) صفحه رسمی مرکز اسناد انقلاب اسلامی در اینستاگرام نوشت: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین کشوری که در حمایت از ضدانقلاب و سازمان تروریستی منافقین نقش آفرینی کرد، فرانسه بود... اپتالله هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در جلسه ۴ اسفند ۱۳۶۰ گفت: فرانسه باید در آینده تاریخ جواپگویی ملت ما باشد و ما از فرانسه به این آسانی نخواهیم گذشت؛ اگر هم ما بگذریم مردم ما و این محرومانی که جسدهای قطع شده بچه‌هایشان را از بیمارستان تحویل گرفتند و به گورستان بردند: از فرانسه نمی‌گذرند...»

مثل پاییز وزمستان



با وجود دل‌بستن برخی‌ها به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، عالم و آدم مدت‌هاست در فضای رسانه‌ای فریاد می‌زند که «ترامپ» و «ایدن» برای ایرانی‌ها فراق چندانی با هم ندارند و مشکل روابط دو کشور، جای دیگر است. حالا با داغ شدن رقابت انتخاباتی و نزدیک شدن به پایان ماجرا، مسعود براتی، کارشناس مسائل سیاسی در خصوص ترامپ و بایدن در توئیتر نوشت: «بایدن و ترامپ برای ایران مثل پاییز وزمستان هستند برای آدم اگر تدبیر نداشته باشی هر دو مرخص می‌کنند و پاییز به خاطر فربیی که دارد، خطرناک‌تر است... البته با عذرخواهی از دو فصل زیبای سال.»

بیخ گوش آمریکا



همان زمانی که آمریکایی‌ها بابت انتقال نفت ایران به ونزویلا هیاهو برانداخته بودند و دائم کشورهای مختلف را تهدید می‌کردند، خبرنگاری از رئیس‌جمهور ونزویلا درباره واردات تسلیحات نظامی از ایران پرسیده و او گفته بود: فکر بدی نیست. حالا یک فعال رسانه‌ای درباره صادرات سلاح توسط ایران در توئیتر نوشته: هم اکنون هواپیمای ایرانی به ونزویلا رسید! ناظران می‌دانند محموله چیست! آمریکایی‌ها هم می‌دانند. از زمان کوروش و داریوش اگر کسی می‌گفت روزی می‌رسد که ایران اسلحه صادر خواهد کرد قطعاً شنودگان می‌خندیدند، اما امروز سلاح ایرانی بیخ گوش آمریکاست.

پرندگان هورالعظیم



مسئله فروش مجوز شکار حیوانات در ایران همیشه یکی از موضوعات پرچالش است. میلیون‌ها مخالف از میان حامیان حقوق حیوانات دارد و صدها موفق در میان آن‌ها... که حرف از توسعه گردشگری و درآمدزایی و... می‌زنند. برخی‌ها هم هستند که به ماجرا جور دیگری نگاه می‌کنند. مثلاً یک کاربر فضای مجازی در توئیتر نوشته است: «در روزگاری که برخی‌ها حقوق نجومی حفاظت از محیط زیست را می‌گیرند تا دانسته یا نادانسته حکم به مباح بودن شکار برخی پستانداران بدهند، برخی نان شبشان را با پرندگان مهاجر در تالاب هورالعظیم تقسیم می‌کنند و در مراقبت و حفاظت از این مهمانان زمستان گذران کم نمی‌گذارند... روزگار عجیبی است!»

